



درآمدی به
مطالعات قرآن و نظریه پردازی در
علوم انسانی
(در جستجوی تفسیر موضوعی)

علیرضا محمدی فرد و هادی موسوی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۴۰۰

محمدی‌فرد، علیرضا، ۱۳۵۹.
درآمدی به مطالعات قرآن و نظریه‌پردازی در علوم انسانی (در جستجوی تفسیر موضوعی) / علیرضا محمدی‌فرد، هادی موسوی. -
قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰.
۲۶۸ص: ۵/۱۴*۲۱/۵ س.م. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۹۴: قرآن پژوهی؛ ۸۵)
ISBN: 978-600-298-373-2
بها: ۴۸۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه. ص. [۲۴۳]. ۲۵۱-
نمایه.
۱. قرآن و علوم انسانی. ۲. Qur'an and humanities*. ۳. تفاسیر. ۴. Qur'an -- Commentaries. ۵. قرآن -- تحقیق --
روش‌شناسی. ۶. Qur'an -- Research -- Methodology. الف. موسوی، هادی، ۱۳۶۰- ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
چ عنوان.
BP۶۵/۳
شماره کتابشناسی ملی
۲۹۷/۱۵
۸۵۴۰۶۸۶



درآمدی به مطالعات قرآن و نظریه‌پردازی در علوم انسانی (در جستجوی تفسیر موضوعی)

مؤلفان: علیرضا محمدی‌فرد، هادی موسوی (استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۰

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: <http://rihu.ac.ir/fa/book>

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی «ره»، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۹۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند. این اثر گامی در راستای ارائه ملاک‌های علمی برای تحقق بخشیدن به مرجعیت علمی قرآن در حوزه علوم انسانی و اجتماعی از مسیر سنجش و شناسایی آثار موجود در میان محققان کنونی و همچنین اندیشمندان بزرگ اسلامی همچون علامه طباطبایی و شهید صدر رحمتهما است.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلفان محترم اثر، علیرضا محمدی‌فرد و دکتر هادی موسوی و نیز از ناظران محترم، دکتر سیدحمیدرضا حسنی و آیت‌الله محمود رجبی سپاسگزاری کند.

همچنین بایسته است از راهنمایی‌های حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدباقر سعیدی روشن و نکات و پیشنهادهای ارزنده دکتر محمد فتحعلی‌خانی، حجت‌الاسلام سیدمحمود طیب‌حسینی و حجت‌الاسلام مصطفی کریمی که برای پیشبرد طرح ارائه شد، کمال تشکر را داشته باشیم.

فهرست مطالب

| | |
|--|----|
| پیشگفتار..... | ۳ |
| فصل اول: «تفسیر موضوعی»، به مثابه نمونه ایدئال «مطالعات قرآن و علوم انسانی» | |
| مقدمه..... | ۷ |
| هویت‌یابی «تفسیر موضوعی استاندارد»..... | ۸ |
| الف) چستی تفسیر موضوعی، در مقایسه با تفسیر ترتیبی..... | ۹ |
| ۱. ویژگی تفسیر موضوعی از حیث مسئله‌شناسی..... | ۹ |
| ۲. ویژگی تفسیر موضوعی از حیث غایت..... | ۱۰ |
| ۳. ویژگی تفسیر موضوعی از حیث روش‌شناسی..... | ۱۳ |
| ب) چستی تفسیر موضوعی، در ساحت تولید علم دینی..... | ۱۸ |
| ج) تعریف جامع تفسیر موضوعی استاندارد..... | ۱۹ |
| مراحل تحوّل تفسیر موضوعی در سیر تاریخی..... | ۲۰ |
| الف) مرحله نوپایی..... | ۲۱ |
| ب) مرحله نوگرایی..... | ۲۳ |
| ج) مرحله نظریه‌پردازی..... | ۲۶ |
| جمع‌بندی فصل..... | ۲۹ |

فصل دوم: الگوی جامع ارزیابی تحقیقات علوم انسانی

| | |
|---|----|
| مقدمه | ۳۱ |
| چیستی علوم انسانی | ۳۲ |
| چیستی نظریه علمی | ۳۵ |
| «مفاهیم» و جایگاه آنها در نظریه‌پردازی | ۴۰ |
| شاخصه‌های مشترک تولید علوم انسانی در تمام رویکردهای علمی | ۴۲ |
| الف) حرکت در منطقه‌های سه‌گانه علم | ۴۲ |
| ب) شرط علمی بودن؛ «صدق نفس الامری» یا «پذیرش جامعه علمی»؟ | ۴۵ |
| ج) بی‌طرف نبودن روش تحقیق درباره چیستی واقعیت اجتماعی | ۴۷ |
| د) اشراق معرفت اجتماعی در روش‌های تحقیق | ۴۷ |
| هـ) جایگاه نظریه نسبت به روش‌های تحقیق | ۴۸ |
| و) مسئله‌محوری | ۴۹ |
| لایه‌های شکل‌گیری علوم انسانی | ۵۱ |
| لایه اول: ورود در سطح کاربست روش تحقیق | ۵۱ |
| بنیان‌های معرفتی روش‌های کیفی | ۵۳ |
| بنیان‌های معرفتی روش‌های کمی | ۵۴ |
| لایه دوم: ورود در سطح تولید چارچوب نظری یا روش تحقیق | ۵۹ |
| ۱. تولید یا تبیین روش تحقیق معتبر و معین | ۶۱ |
| ۲. مرتبط بودن با یک رویکرد علمی | ۶۲ |
| ۳. تبیین روش کشف مسئله | ۶۲ |
| لایه سوم: ورود در سطح تولید پیش‌فرض‌های رویکرد علمی و روش‌شناسی تحقیق | ۶۳ |
| ۱. انتزاعیت و عمومیت | ۷۰ |
| ۲. نظری بودن | ۷۰ |
| ۳. ارائه چارچوب مفهومی یا نظری | ۷۱ |
| جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از بیان ویژگی‌های سه لایه | ۷۳ |
| الف) مقایسه ویژگی‌های سه لایه تولید علوم انسانی با یکدیگر | ۷۳ |
| از جهت درجه انتزاع و عمومیت | ۷۳ |
| از جهت میزان دخالت محقق در تولید علم | ۷۳ |
| از جهت چارچوب مفهومی و نظری به کار رفته در تولید علم | ۷۳ |
| از جهت به‌کارگیری روش‌های تحقیق کمی و کیفی | ۷۴ |

| | |
|----|--------------------------------------|
| ۷۴ | (ب) پرهیز از پژوهش‌های التقاطی |
| ۷۵ | جمع‌بندی فصل |

فصل سوم: مناسبات نظریه‌پردازی در مطالعات قرآنی با لایه‌های تحقیق در علوم انسانی

| | |
|-----|---|
| ۷۷ | مقدمه |
| ۷۹ | مطالعات قرآن و علوم انسانی، در نسبت با لایه کاربست روش‌های تحقیق |
| ۸۰ | الف) اقسام کاربست روش‌های تحقیق در مطالعات قرآنی |
| ۸۰ | ۱. کاربست روش‌های متن‌پژوهی در مطالعات قرآنی |
| ۸۱ | دسته اول، آثاری که تنها حامل روش‌های تحقیق متن‌پژوهی هستند |
| ۸۲ | دسته دوم، آثاری که علاوه بر روش تحقیق، حامل داده‌های روش تحقیق هستند |
| ۸۳ | ۲. کاربست روش‌های تحقیق علوم انسانی در مطالعات قرآنی |
| ۸۳ | (ب) معیارهای اعتبارسنجی مطالعات قرآنی در سطح کاربست روش‌های تحقیق |
| ۸۹ | مطالعات قرآن و علوم انسانی، در نسبت با لایه تولید چارچوب نظری و روش تحقیق |
| ۹۰ | معیارهای اعتبارسنجی مطالعات قرآنی در سطح تولید چارچوب نظری یا روش تحقیق |
| ۹۴ | مطالعات قرآن و علوم انسانی، در نسبت با لایه تولید پیش‌فرض‌های ... |
| ۹۶ | معیارهای اعتبارسنجی مطالعات قرآنی در سطح تولید پیش‌فرض‌های ... |
| ۹۹ | معیارهای مشترک مطالعات قرآن و علوم انسانی در تمام سطوح |
| ۱۰۰ | الف) معیارهای انتخاب مسئله تحقیق |
| ۱۰۲ | (ب) معیارهای مرتبط با چارچوب مفاهیم تحقیق |
| ۱۰۳ | (ج) معیارهای مرتبط با منابع معرفتی تحقیق |
| ۱۰۷ | جمع‌بندی فصل |

فصل چهارم: ارزیابی روش‌شناختی نمونه‌آثار مطالعات قرآن و علوم انسانی

| | |
|-----|---|
| ۱۰۹ | مقدمه |
| ۱۱۰ | الف) ملاک انتخاب نمونه‌آثار برای ارزیابی |
| ۱۱۱ | (ب) چیستی روش‌شناسی |
| ۱۱۴ | ارزیابی نمونه آثار، در سطح کاربست روش‌های تحقیق |
| ۱۱۴ | نمونه ۱: «ساختار شخصیت براساس منابع اسلامی، در رویکرد صفات» |
| ۱۱۴ | الف) گزارش نمونه |

| | |
|---|-----|
| ب) تبیین و ارزیابی روش شناختی نمونه | ۱۱۷ |
| ۱. بررسی مسئله تحقیق و نظریه پیشین تحقیق | ۱۱۷ |
| ۲. بررسی روش تحقیق | ۱۱۹ |
| ۱-۲. یکسان‌انگاری متن معصوم و غیرمعصوم | ۱۲۰ |
| ۲-۲. عدم انسجام روشی | ۱۲۱ |
| ۳-۲. نادیده گرفتن ظرفیت‌های متن پژوهی روش اجتهادی | ۱۲۲ |
| ۴-۲. احتمال تحمیل نظریه‌ها بر قرآن | ۱۲۲ |
| ۳. بررسی پیش‌فرض‌های متافیزیکی و انسان‌شناختی | ۱۲۳ |
| ۴. بررسی پیش‌فرض‌های دین‌شناختی | ۱۲۵ |
| ۵. بررسی پیش‌فرض‌های زبان‌شناختی | ۱۲۶ |
| ۶. بررسی منابع معرفتی تحقیق | ۱۲۷ |
| ۷. بررسی چارچوب مفاهیم تحقیق | ۱۲۸ |
| ج) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری | ۱۲۹ |
| ۱. نکات مثبت | ۱۳۰ |
| ۲. آسیب‌ها | ۱۳۰ |
| نمونه ۲: کتاب روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم | ۱۳۳ |
| الف) گزارش نمونه | ۱۳۳ |
| ب) تحلیل و ارزیابی روش شناختی نمونه | ۱۳۶ |
| ۱. از جنبه تفسیری | ۱۳۷ |
| ۲. از جنبه نظریه‌پردازی قرآنی | ۱۳۹ |
| ج) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری | ۱۴۰ |
| ارزیابی نمونه آثار، در سطح تولید چارچوب نظری یا روش تحقیق | ۱۴۱ |
| نمونه ۱: نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی | ۱۴۱ |
| الف) گزارش بخش اول نمونه: پیش‌فرض‌های متافیزیکی و پارادایمی | ۱۴۲ |
| ۱. ماهیت انسان و واقعیت اجتماعی | ۱۴۲ |
| ۲. پیش‌فرض‌های دین‌شناختی | ۱۴۳ |
| ۳. معرفت‌شناسی در علم دینی | ۱۴۴ |
| ۴. متن‌شناسی (تقسیمات گزاره‌های متون دینی) | ۱۴۵ |
| ب) تبیین و ارزیابی بخش اول | ۱۴۶ |
| ۱. مشخص نبودن پیش‌فرض‌های متافیزیکی | ۱۴۶ |

۲. عدم پابندی کامل به اصول تولید علم پارادایمی ۱۴۸
۳. پیش فرض گیری «تعارض علم و دین» ۱۴۹
- ج) گزارش بخش دوم نمونه: فرایند مفهوم سازی و نظریه پردازی از متون دینی ۱۴۹
۱. فرایند بهره گیری از متون دینی در علوم اجتماعی اسلامی ۱۴۹
۲. مراحل ساخت نظریه درون دینی در علوم اجتماعی ۱۵۲
- د) تبیین و ارزیابی بخش دوم ۱۵۴
۱. انتخاب غیر پارادایمی مسئله ۱۵۴
۲. التقاط روشی ۱۵۵
۳. تکیه بر اصل آسان سازی فهم متون دینی ۱۶۶
۴. نقض تولید علم در یک رویکرد علمی ۱۶۶
- ه) جمع بندی و نتیجه گیری ۱۶۷
- نمونه ۲: ایده «کشف الگوی اسلامی مهندسی فرهنگی، به روش تفسیر تنزیلی» ۱۶۹
- الف) مراحل دستیابی به الگوی مهندسی فرهنگی قرآن، در تفسیر تنزیلی ۱۶۹
- ب) تحلیل و بررسی روش شناختی نمونه ۱۷۴
۱. از جهت انتخاب مسئله ۱۷۴
۲. در سطح پیش فرض های متافیزیکی ۱۷۴
۳. از جهت پیش فرض های انسان شناختی ۱۷۵
۴. از جهت پیش فرض های دین شناختی و قرآن شناختی ۱۷۶
۵. از جهت منابع معرفتی تحقیق ۱۷۸
۶. از جهت روش کشف الگوی تحوّل فرهنگی ۱۷۸
- ج) جمع بندی و نتیجه گیری ۱۸۰
- ارزیابی نمونه آثار، در سطح تولید مبانی رویکرد علمی و روش شناسی تحقیق ۱۸۲
- نمونه ۱: روش شناسی اجتهادی شهید سید محمد باقر صدر ۱۸۲
- الف) گزارش نمونه ۱۸۳
- ب) تبیین عناصر روش شناختی نمونه ۱۸۶
۱. ارتباط تفسیر با واقعیت ۱۸۶
۲. انتخاب مسئله از واقع زندگی اجتماعی ۱۸۶
- ۱-۲. منشأ اخذ موضوع ۱۸۸
- ۲-۲. عبور از موضوعات کلان به موضوعات خاص ۱۸۸
- ۲-۳. عرضه موضوع اشراق شده با افکار بشری به متن قرآن ۱۹۰

| | |
|-----|--|
| ۱۹۱ | ۲-۴. عبور از موضوع، به مسئله علم..... |
| ۱۹۲ | ۳. سطح نظریه‌پردازی قرآنی..... |
| ۱۹۴ | ۴. داور بودن دین، در نظریه قرآنی..... |
| ۱۹۵ | ۵. تأثیر رشد عمودی تفسیر در نظریه‌پردازی دینی..... |
| ۱۹۶ | ۶. تفکیک علوم طبیعی و علوم انسانی در مطالعات قرآنی..... |
| ۱۹۶ | ۷. نقش عنصر تاریخ در نظریه‌پردازی قرآنی..... |
| ۱۹۷ | ج) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری..... |
| ۱۹۹ | نمونه ۲: روش‌شناسی اجتهادی علامه سیدمحمدحسین طباطبایی..... |
| ۱۹۹ | الف) تبیین مفاهیم کلیدی و عناصر روش‌شناختی اکتشاف نظریه قرآنی..... |
| ۲۰۰ | ۱. پیش‌فرض‌های متافیزیکی..... |
| ۲۰۰ | ۱-۱. پیش‌فرض‌های متافیزیکی بعید..... |
| ۲۰۰ | ۲-۱. پیش‌فرض‌های متافیزیکی قریب..... |
| ۲۰۱ | ۲. پیش‌فرض‌های انسان‌شناختی در سطح رویکرد علمی..... |
| ۲۰۱ | ۱-۲. جایگاه اعتباریات در تولید علوم انسانی..... |
| ۲۰۷ | ۲-۲. رابطه ساخت و عامل..... |
| ۲۰۸ | ۳-۲. هویت‌کنش زبانی انسان..... |
| ۲۰۹ | ۳. پیش‌فرض‌های روش‌شناختی..... |
| ۲۰۹ | ۱-۳. عدم تبعیت علوم انسانی از علوم طبیعی، در روش تحقیق..... |
| ۲۱۰ | ۲-۳. تفسیر قرآن به قرآن..... |
| ۲۱۱ | ۳-۳. نظریه اعتباریات، به مثابه دستگاه مفهومی قرآنی..... |
| ۲۱۳ | ۴-۳. هم‌سویی هدف قرآن و علوم انسانی..... |
| ۲۱۶ | ۵-۳. ارتباط قرآن با واقعیت..... |
| ۲۱۶ | ۶-۳. فراتاریخی بودن دلالت آیات قرآن..... |
| ۲۱۶ | ۷-۳. انتخاب مسئله از واقعیت اجتماعی..... |
| ۲۱۷ | ۸-۳. توجه به معنای کاربردی واژگان قرآنی و تشکیل شبکه مفهومی..... |
| ۲۱۷ | ب) نمونه‌ای عینی از تفسیر موضوعی علامه طباطبایی..... |
| ۲۲۱ | ج) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری..... |
| ۲۲۴ | جمع‌بندی فصل..... |

فصل پنجم: در جستجوی عناصر روش شناختی تفسیر موضوعی استاندارد

| | |
|--|-----|
| مقدمه | ۲۲۵ |
| مقایسه نتایج روش شناختی برآمده از ارزیابی نمونه آثار | ۲۲۶ |
| ۱. از جهت سنخ مفاهیم و نظریه‌ها | ۲۲۶ |
| ۲. از جهت نظریه‌بنیان بودن | ۲۲۷ |
| ۳. از جهت آسیب‌های نظریه‌پردازی قرآنی، در سطوح مختلف تولید علم | ۲۲۷ |
| ۴. از جهت توجه به تمام عناصر روش شناختی تولید علم | ۲۲۸ |
| ۵. از جهت وجود انسجام میان عناصر روش شناختی تولید علم | ۲۲۹ |
| ۶. از جهت وام گرفتن مفاهیم و نظریه‌ها از دیگر رویکردهای علمی | ۲۲۹ |
| ۷. از جهت در اختیار داشتن مبانی رویکرد علم دینی | ۲۳۰ |
| ۸. از جهت سنخ روش‌های مورد استفاده در نظریه‌پردازی قرآنی | ۲۳۱ |
| ۹. از جهت در اختیار داشتن روش اجتهادی مناسب | ۲۳۱ |
| ۱۰. از جهت بهره‌مندی از مفاهیم رویکرد علمی | ۲۳۲ |
| ۱۱. از جهت بهره‌مندی از مفاهیم زبان شناختی | ۲۳۲ |
| قواعد عام نظریه‌پردازی قرآنی در عرصه علوم انسانی | ۲۳۴ |
| ۱. لزوم آگاهی از سطوح نظریه‌پردازی قرآنی | ۲۳۴ |
| ۲. لزوم نظریه‌پردازی قرآنی، ذیل یک رویکرد علم دینی | ۲۳۵ |
| ۳. لزوم تبیین عناصر رویکرد علمی و عناصر روش شناختی | ۲۳۵ |
| ۴. لزوم اجتهادی بودن و بازاندیشانه بودن نظریه‌پردازی قرآنی | ۲۳۶ |
| ۵. لزوم تعیین سطح نظریه‌پردازی قرآنی | ۲۳۷ |
| ۶. لزوم توجه به اولویت آغاز به تولید علوم انسانی از مراتب عمیق‌تر | ۲۳۷ |
| ۷. لزوم الگوگیری از نظریه‌پردازان بزرگ دینی | ۲۳۸ |
| ۸. لزوم بهره‌گیری از روش‌های سازگار با رویکرد علم دینی و روش‌شناسی اجتهادی | ۲۳۹ |
| سنخ‌شناسی عناصر روش شناختی تفسیر موضوعی استاندارد | ۲۴۰ |
| خاتمه | ۲۴۲ |

منابع و مأخذ

- ۲۴۳..... الف) کتاب‌ها و مقالات
۲۵۱..... ب) سایت‌ها و نرم‌افزارها

نمایه‌ها

- ۲۵۳..... نمایه آیات
۲۵۴..... نمایه اصطلاحات

این اثر را تقدیم می‌کنیم به:
دو نظریه پرداز قرآنی معاصر،
حکیم فرزانه، علامه سید محمد حسین طباطبائی رحمته الله علیه

و

اندیشمند شهید، علامه سید محمد باقر صدر رحمته الله علیه
به پاس تمام ایده‌ها و الهام‌هایی که از آثارشان گرفتیم!
و به پاس تمام رنج‌هایی که در راه تولید علم بردند،
تا دستان ما برای گام نهادن در این راه تهی نباشد!

پیشگفتار

مروری بر تاریخ پرفراز و نشیب حیات بشری، نشان از تأثیر معارف و آموزه‌های دینی در پی‌ریزی جهان‌بینی انسان و شکل‌دهی زیست فردی و اجتماعی او دارد. حتی در دوره جدید نیز که تلاش برای کنار نهادن دین به اوج خود رسید، ضرباتی که فطرت بشریت بر ساخته‌های نظری انسان‌ها نواخت، موجب شد تا به تدریج دین به صورت کلی توجه اندیشمندان را نیز به سوی خود جلب کند؛ البته این جدای از دینی است که از طریق راهنمایان الهی به بشریت رسیده است و تداوم آن از سوی خداوند تضمین شده است. در این موقعیت، عامل تعیین‌کننده، جوامع انسانی هستند که می‌توانند با تصمیم خود از این منبع معرفتی هدیه‌شده به زمینیان بهره‌برند یا خود را محروم کنند. در واقع، دین، منبعی برای زیست ایدئال بشر است که با واقعیات جهان انسانی و اجتماعی و همچنین با واقعیات تکوینی جهان هم‌ساز است. این ویژگی شناختی، بنیانی است برای سربر آوردن دانش‌های متافیزیکی، انسانی و طبیعی؛ البته واقع آن‌گونه که هست و آن‌گونه که خالق جهان، طبیعت و انسان تفسیرش می‌کند، نه آن‌گونه که برساخته تصورات ذهن بشر خطاپذیر است.

در این رهیافت، تفسیر و تبیین واقع، از جمله واقع زندگی اجتماعی انسان، ویژگی ذاتی و اولی قرآن، به‌عنوان منبع معرفتی اصلی دین است. این ویژگی، اشاره

۴ درآمدی به مطالعات قرآن و نظریه پردازی در علوم انسانی

به تطابق گزاره‌های قرآن با نفس الامر و واقع دارد، و برآورنده نیاز شناختی نظری و عملی بشر برای زندگی در جهان مادی تکوینی است. به علاوه، نویدبخش مرجعیت معرفتی قرآن حکیم برای حلّ مسائل زندگی اجتماعی، ارائه برنامه‌ای برای زیست بشری، تولید معرفت علمی و طرح‌ریزی علوم انسانی واقع‌گراست. باور عملی به این ویژگی شناختی دین و قرآن در دو قرن اخیر، فصلی نو برای اندیشمندان اسلامی، در برابر دانش‌های مادی‌گرا، بود و سرآغاز جنبش‌های نواندیش و قرآن‌محور، در جوامع اسلامی شد. این جریان، «مطالعات قرآنی» را به سوی مسائل علمی، و به صورت ویژه مسائل «علوم انسانی» سوق داد. در این راستا، یکی از راهکارهایی که برای «نظریه پردازی» قرآنی در عرصه علوم انسانی مورد توجه قرار گرفت، «تفسیر موضوعی» بود؛ زیرا اکتشاف نظام‌مند و روشمند نظریه‌های قرآن در موضوعات مختلف علوم انسانی، وابسته به بهره‌مندی از تفسیر موضوعی است.

توجه به پیشینه‌ای که از تفسیر موضوعی پیش روی ماست، نشان می‌دهد که هنوز یک روش اجتهادی منسجم و کامل، که فرایند اکتشاف نظریه از قرآن و دین را در اختیار ما بگذارد، به جامعه علمی ارائه نشده است یا اگر ارائه شده، جامعه علمی نتوانسته است با آن ارتباط بگیرد. بنابراین، گرچه رسیدن به هدف نظریه پردازی قرآنی، از مسیر تفسیر موضوعی می‌گذرد؛ اما گام نهادن در این مسیر، نخست، نیازمند شناسایی عناصر روش شناختی دخیل در نظریه پردازی قرآنی است. و این امر، از یک سو وابسته به در دست داشتن الگوی ارزیابی معیار در عرصه تولید علوم انسانی است، و از سوی دیگر، نیازمند سنجش آثار موجود در زمینه مطالعات قرآن و علوم انسانی است. از این رو، گرچه هدف نهایی نویسندگان، دستیابی به روش ایدئال نظریه پردازی دینی بر پایه «تفسیر موضوعی» است، اما پیش از آن تلاش داریم تا با تکیه بر الگوی عام شکل‌گیری علوم انسانی، در

پیشگفتار ۵

سطحی که مستقل از هر رویکرد علمی است، به نمونه‌آثاری از مطالعات علوم انسانی قرآنی/دینی موجود رجوع کنیم. از این طریق، وضعیت کنونی تحقیقات علوم انسانی قرآنی روشن شده، مسیر ارائه «تفسیر موضوعی استاندارد» هموار می‌شود؛ زیرا با این مطالعه به دست می‌آید که در این آثار برای استخراج نظریه‌های علوم انسانی از قرآن، از چه روش‌شناسی خاصی پیروی شده است؛ محاسن و معایب آن چیست؛ و آن روش‌شناسی، سلباً و ایجاباً چه عناصر روش‌شناختی‌ای را برای دستیابی به تفسیر موضوعی معتبر، در اختیار ما می‌گذارد.

در راستای دستیابی به اهداف مذکور، فصل اول کتاب، به بیان تعریف و تاریخچه تحوّل تفسیر موضوعی، به‌عنوان تفسیری ایدئال، در مطالعات نظریه‌پردازانه قرآن و علوم انسانی، می‌پردازد. فصل دوم، الگوی جامع ارزیابی تحقیقات علوم انسانی را تبیین می‌کند. فصل سوم، این الگو را در مطالعات قرآن و علوم انسانی بومی‌سازی می‌کند، تا شاخصه‌ها و معیارهای لازم برای روش‌شناسی مطالعات قرآنی موجود، در سطوح مختلف، به دست آید. در فصل چهارم، براساس این الگو، نمونه‌هایی از مطالعات علوم انسانی قرآنی ارزیابی روش‌شناختی می‌شوند. و در فصل پنجم، نتایج برآمده از روش‌شناسی آثار، با تکیه بر الگوی ارزیابی جامع تولید علوم انسانی، و در راستای دستیابی به عناصر روش‌شناختی تفسیر موضوعی استاندارد، تحلیل می‌شود. این تحلیل، قواعد عام نظریه‌پردازی قرآنی، و سنخ عناصر روش‌شناختی تفسیر موضوعی استاندارد را به دست می‌دهد.

در پایان گفتنی است که این اثر، کتاب اول از طرح کلان «تفسیر موضوعی» است. از خداوند متعال توفیق می‌طلبیم که ما را در ارائه کتاب دوم این طرح به جامعه علمی، تحت عنوان «فلسفه تفسیر موضوعی»، یاری فرماید.

فصل اول

«تفسیر موضوعی»، به‌مثابه نمونه ایدئال «مطالعات قرآن و علوم انسانی»

تفسیر موضوعی به‌منظور کشف معنای الفاظ قرآن، گامی فراتر از تفسیر ترتیبی نهاده، هدفش کشف نظریه پایه‌ای قرآن درباره موضوعات واقع زندگی، در عرصه‌های باوری، اجتماعی و طبیعی است (عالمه سیدمحمدباقر صدر، السنن التأریخیه فی القرآن)

مقدمه

«مطالعات قرآن»، در معنای عام خود، هر نوع بررسی و تحقیق درباره قرآن، و هر نوع تلاش برای فهم متن قرآن را شامل می‌شود. مراد از این اصطلاح در این نوشتار، آن دسته از پژوهش‌هایی است که در جهت تلاش برای فهم متن قرآن، در راستای نظریه‌پردازی در علوم انسانی گام برداشته‌اند. در پژوهش‌های نظریه‌پردازانه در حوزه علوم انسانی قرآنی، پژوهشگران به دنبال سنخ‌ی از فهم قرآن هستند که منتهی به نظریه‌پردازی شود، اما با توجه به مؤلفه‌های هویت‌بخش تفسیر، نمی‌توان بر تمام این‌گونه پژوهش‌ها اطلاق تفسیر کرد، بلکه به باور ما، این هدف، در «تفسیر موضوعی» که نوع خاصی از مطالعات قرآنی محسوب می‌شود، قابل

۸ درآمدی به مطالعات قرآن و نظریه پردازی در علوم انسانی

تحقق است. از این رو، هدف نهایی این نوشتار، دستیابی به تفسیر موضوعی است، اما تعاریف مختلف ارائه شده از تفسیر موضوعی، ما را برآن داشت تا اصطلاح «تفسیر موضوعی استاندارد» را به عنوان تصویری از تفسیر و مطالعه ایدئال قرآنی، در راستای اکتشاف نظریه های علوم انسانی در قرآن ارائه کنیم. مراد از تفسیر موضوعی استاندارد، تفسیری است که در سیر تحوّل تفسیر موضوعی، در آثار اندیشمندان بزرگی چون علامه طباطبایی و شهید صدر به تکامل رسیده، به عنوان روشی برای اکتشاف نظریه های قرآن معرفی شده است.

بر این اساس، این فصل به تحلیل چستی تفسیر موضوعی، به مثابه نمونه ایدئال مطالعات قرآن و علوم انسانی اختصاص دارد. برای دستیابی به این هدف، لازم است تا این مفهوم از حیث «تعریف» و «تاریخچه» بررسی و واکاوی شود. به همین منظور، نخست «تفسیر موضوعی استاندارد»، به عنوان نمونه متکامل تفسیر موضوعی هویت یابی می شود. سپس تاریخچه تحوّل تفسیر موضوعی، به جهت روشن تر شدن مفهوم تفسیر موضوعی استاندارد، و متمایز ساختن آن، از دیگر برداشت هایی که از تفسیر موضوعی موجود است، بررسی می شود.

هویت یابی «تفسیر موضوعی استاندارد»

«تفسیر موضوعی» گونه ای از تفسیر است. با وجود اختلافاتی که در تعریف «تفسیر» وجود دارد، تفسیر قرآن، به نحو عام، به معنای «آشکار ساختن مراد خداوند از الفاظ و عبارات قرآن کریم» است (برای نمونه، ن. ک: طبرسی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۱؛ جرجانی، ۱۴۱۱، ص ۳۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴). این تعریف، جنس تفسیر، اعم از ترتیبی و موضوعی، را نشان می دهد. به این معنا که تفسیر، فعلی است که توسط مفسّر انجام می شود تا مراد خداوند در قرآن آشکار شود، اما برای دستیابی

«تفسیر موضوعی»، به‌مثابه نمونه ایدئال «مطالعات قرآن و علوم انسانی» ۹

به فصل ممیز تفسیر موضوعی، نیازمند آگاهی از ویژگی‌های خاص این قسم تفسیر، در مقایسه با قسیم خود، تفسیر ترتیبی، و در ساحت تولید علم دینی هستیم.

الف) چستی تفسیر موضوعی، در مقایسه با تفسیر ترتیبی

برای به‌دست‌آوردن فصل تفسیر موضوعی، توجه به قید «موضوعی» در مقابل «ترتیبی» راه‌گشا است. این تقابل، از سه حیث «مسئله‌شناسی»، «غایت» و «روش‌شناسی» قابل بررسی است. کشف ویژگی تفسیر موضوعی در این ابعاد، فصل ممیز آن را در نسبت با تفسیر ترتیبی به‌دست می‌دهد، البته برای دستیابی به تعریفی منسجم و هم‌سو با نظریه‌پردازی با علوم انسانی، دیدگاه شهیدصدر درباره هویت تفسیر موضوعی را محور قرار می‌دهیم. دلیل این امر، چنان‌که در مبحث «مراحل تحوّل تفسیر موضوعی» می‌آید، این است که مهم‌ترین ایده‌پرداز تفسیر موضوعی، از جهت تلقی آن به‌عنوان یک روش برای نظریه‌پردازی قرآنی و از جهت طرح مباحث نظری درباره آن، ایشان است.

۱. ویژگی تفسیر موضوعی از حیث مسئله‌شناسی

تفسیر موضوعی، برخلاف تفسیر ترتیبی، که مسئله‌اش صرفاً رفع ابهام از الفاظ آیات و کلمات قرآن است، مسئله خود را از واقع زندگی بشری، در دو بعد انسانی و طبیعی، می‌گیرد (صدر، ۱۴۲۱، ج ۱۹، ص ۲۹-۳۱)؛ بنابراین، قید «موضوعی» در این ترکیب، از حیث مسئله‌شناسی، به‌معنای «عینی و واقعی» است؛ زیرا تفسیر موضوعی، مسئله تحقیق در آیات قرآن را از زندگی واقعی انسان اخذ می‌کند. همچنین قید «موضوعی»، از حیث روش تحلیل متن، به این معناست که برخلاف تفسیر ترتیبی که مفسّر طبق ترتیب مصحفی آیات، قرآن را تفسیر می‌کند، در تفسیر

موضوعی محور بحث یک موضوع مشخص است و تمام آیات قرآن برای دستیابی به آن موضوع، گردآوری و بررسی می‌شوند (همان، ج ۶، ص ۳۵-۳۶).
براین اساس، در این دیدگاه، قید «موضوعی» تنها به معنای ارائه یک «موضوع» به قرآن نیست، بلکه افزون بر آن به معنای «عینی» بوده، مسئله‌ای است که از عینیت برخوردار باشد و از واقع زندگی اخذ شده باشد. این تصویر از موضوع، با دیدگاه‌هایی که «موضوع» را به معنای عام خود معنا می‌کنند و آن را به درون قرآنی و برون قرآنی تقسیم می‌کنند، متفاوت است. در این رویکرد، مفاهیمی که از درون قرآن اخذ می‌شوند، بدون اینکه با واقع زندگی بشری ارتباط داده شوند، «موضوع» قلمداد نمی‌شوند. در حقیقت، در این رویکرد، درون قرآنی و برون قرآنی بودن، محوریت ندارد؛ بلکه اگر مسئله‌ای با واقع زندگی بشر مرتبط باشد و از واقع زندگی بشری اخذ شده باشد، در هنگام عرضه آن مسئله به قرآن، تفسیر موضوعی عهده‌دار مطالعه آن است. حال، چه این مسئله به لحاظ تاریخی ریشه در مفاهیم قرآنی داشته باشد یا نداشته باشد.

۲. ویژگی تفسیر موضوعی از حیث غایت

غایت تفسیر موضوعی، بسته به رویکردهای متفاوت به این‌گونه تفسیر، مختلف می‌شود. برخی تفسیر موضوعی را به «واژگانی»، «سوره‌ای» و «یک موضوع قرآنی» تقسیم می‌کنند. از دیدگاه ایشان، مراد از تفسیر موضوعی واژگانی، بررسی یک واژه قرآنی در مجموع آیات قرآنی است و مراد از تفسیر موضوعی سوره‌ای، یافتن موضوع محوری هر سوره و تفسیر سوره با توجه به آن موضوع محوری است. و مراد از قسم اول موضوع قرآنی، ارائه یک موضوع درون قرآنی یا برون قرآنی به قرآن، و استخراج دیدگاه قرآن درباره آن است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۳۵۹-۳۶۲).

«تفسیر موضوعی»، به‌مثابه نمونه ابدئال «مطالعات قرآن و علوم انسانی» ۱۱

بنابراین، قسم «واژگانی» در حد لغت‌شناسی واژگان قرآنی باقی می‌ماند و نمی‌توان آن را به‌عنوان تفسیر، به‌معنای کشف مراد جدی خداوند، یاد کرد. این قسم را می‌توان در فرهنگ‌های لغت قرآنی، همچون مفردات راغب اصفهانی، مشاهده کرد. قسم «سوره‌ای» نیز یک اصطلاح خاص در نزد برخی مفسران جدید است (ن.ک: مسلم، ۱۴۲۸، ص ۱۶) که در آن مفسر تلاش می‌کند تا «موضوع محوری» سوره‌های قرآن را کشف کند. بنابراین، اطلاق «تفسیر موضوعی» بر آن، با اصطلاح رایج در حد اشتراک لفظی بوده، تفسیر موضوعی مصطلح، ماهیتاً با این قسم متفاوت است. اما قسم سوم، یعنی «یک موضوع قرآنی»، به دوگونه است: ۱. موضوعی از درون قرآن به قرآن عرضه شود؛ ۲. موضوعی از بیرون قرآن به قرآن عرضه شود.

چنان‌که در مبحث قبل بیان شد، تفسیر موضوعی در صورتی منتهی به نظریه‌پردازی قرآنی می‌شود که با واقع زندگی بشری ارتباط برقرار کند. از این رو، در صورتی که موضوعی قرآنی، مانند «انفاق»، «زکات»، «تقوا» و...، از درون مفاهیم قرآنی انتخاب شود و مفسر تلاش کند فراتر از معنای واژگانی، آن موضوع را تفسیر کند، تنها یک تحلیل معناشناختی صورت می‌دهد. تفاوت این تفسیر با تفسیر ترتیبی رایج این است که در تفسیر ترتیبی، مفسر تلاش می‌کند ابهام لفظی آیات و الفاظ قرآن را به ترتیبی که در سوره‌ها قرار گرفتند، برطرف کند، اما در این قسم، مفسر تلاش می‌کند ابهام یک مفهوم یا واژه قرآنی را با استفاده از تفسیر قرآن به قرآن، برطرف کند. در نهایت، در تقسیم‌بندی اول، تنها صورت «یک موضوعی قرآنی» که موضوعش را از بیرون قرآن گرفته باشد، باقی می‌ماند. این صورت نیز، چنان‌که بیان شد، برداشتی نادرست از دیدگاه شهیدصدر است؛ زیرا آنچه در تفسیر موضوعی اهمیت دارد، ارائه موضوعی به قرآن است، که از واقع زندگی بشری اخذ شده باشد؛ بنابراین، برون‌قرآنی بودن تعبیر کاملی از این دیدگاه نیست.

برخی دیگر تفسیر موضوعی را به «لفظی»، «وصفی» و «تحلیلی» تقسیم کرده‌اند (رجبی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴-۱۱۵). در این تقسیم، مراد از «لفظی»، همان قسم «واژگانی»، و مراد از «وصفی»، همان قسم «موضوع درون قرآنی» در تقسیم‌بندی اول است؛ اما قسم «تحلیلی» بدین معناست که موضوعی از درون یا بیرون قرآن به قرآن عرضه شود، و مفسر در حد رفع ابهام واژگانی از آن موضوع باقی نماند، بلکه با تحلیل، نظریه قرآن را درباره آن موضوع استنباط کند. این دیدگاه نیز، به نوعی برگرفته از دیدگاه شهیدصدر است.

با این توضیحات روشن می‌شود که در یک تصویر عام، می‌توان سه هدف برای تفسیر ترسیم کرد: ۱. رفع ابهام از واژگان و عبارات قرآن؛ ۲. رفع ابهام از موضوعات قرآنی؛ ۳. کشف نظریه قرآنی درباره موضوعات واقع زندگی بشری.^۱ در صورت توقف در هدف اول و دوم، تفسیر در حد معناشناسی متن، حال یا معناشناسی متن به صورت ترتیبی یا موضوعی، باقی می‌ماند، اما هدف سوم، برآورنده دغدغه این کتاب و برخی اندیشمندان، همچون شهیدصدر، برای استنباط نظریه‌های قرآنی درباره موضوعات مختلف زندگی بشری و شکل‌دهی علوم انسانی اسلامی است. با وجود این، دقت در این اهداف نشان می‌دهد که ارتباطی طولی میان آنها برقرار است؛ به گونه‌ای که هدف اول و دوم، هدف میانی و هدف سوم، هدف غایی تفسیر موضوعی است، بنابراین، مسئله این نیست که شیوه موضوعی را جانشین شیوه ترتیبی کنیم، بلکه باید شیوه موضوعی در تفسیر را به رویکرد ترتیبی اضافه کنیم و در واقع دو گام را در تفسیر تصویر کنیم: گام اول، تفسیر ترتیبی است و گام دوم، تفسیر موضوعی (صدر، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۴۲)؛ زیرا بدون فهم واژگان و

۱. البته در هر سه مورد مذکور، مفسر می‌تواند در پی فهم بیشتر و منسجم‌تر از یک واژه، موضوع یا یک مسئله واقع زندگی باشد، نه اینکه لزوماً مطلب تازه‌ای کشف کند.

«تفسیر موضوعی»، به‌مثابه نمونه ایدئال «مطالعات قرآن و علوم انسانی» ۱۳

عبارات قرآنی و بدون ایجاد شبکه معنایی میان مفاهیم و گزاره‌های قرآنی، امکان اکتشاف نظریه قرآنی وجود ندارد، بنابراین، روشن می‌شود که گرچه هدف هر دو قسم تفسیر موضوعی و ترتیبی کشف یک معنا در قرآن است، ولی هدف نهایی تفسیر ترتیبی صرفاً فهم مدلول لفظی هر آیه است و هدف تفسیر موضوعی، کشف نظریه قرآن درباره موضوعات واقع زندگی است. با این توضیحات، غایت اصلی و نهایی تفسیر موضوعی کشف نظریه قرآن درباره مسائل واقع زندگی انسانی است، که این هدف با تکیه بر دو هدف ابتدایی و میانی، یا همان فهم مدالیل الفاظ و عبارات قرآن، و تشکیل شبکه معنایی از مفاهیم و گزاره‌های قرآنی حاصل می‌شود.

۳. ویژگی تفسیر موضوعی از حیث روش‌شناسی

پیش‌تر بیان شد که تفسیر ترتیبی صرفاً منتهی به فهم مدلول لفظی آیات قرآن می‌شود و توان فراتر رفتن از آن، و ترکیب مدالیل حاصل از تک‌تک آیات و برقراری ارتباط میان آنها و اکتشاف نظریه قرآن در موضوعات مختلف را ندارد. از حیث روش‌شناسی، نتیجه‌ای که از این تفاوت می‌توان گرفت، چنان‌که شهید‌صدر توجه داشته است، این است که تفسیر ترتیبی، تفسیری غیراجتهادی و تفسیر موضوعی، تفسیری «اجتهادی» است؛ زیرا تفسیر موضوعی با کشف مسائل واقع زندگی و عرضه آنها به قرآن، یک روش اجتهادی را برای گام نهادن به ورای مدلول لفظی و لغوی آیات، و کشف افکار اساسی و نظریه‌های پایه‌ای قرآن از خلال آیات به‌هم‌مرتبط در پیش می‌گیرد و این نظریه را به خداوند نسبت می‌دهد (صدر، ۱۴۲۱، ج ۱۹، ص ۲۴-۲۵). برای روشن شدن این مطلب، لازم است تا مفهوم «اجتهاد» و برخی مؤلفه‌های آن تبیین شود.

اندیشمندان اصولی متأخر بر این امر اتفاق دارند که «اجتهاد» به معنای «استنباط احکام» از منابع دین است (ن.ک: صدر، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۶۱-۶۲؛ جنّاتی، ۱۳۸۶، ج ۱، ۷۵-۸۱؛ مشکینی، ۱۳۸۶، ص ۱۸-۱۹؛ مطهری، ۱۳۹۰، ص ۱۵).^۱ بنابراین، «اجتهاد» مرادف عملیات استنباط بوده، اجتهاد در فقه به معنای استنباط احکام از مصادر آن است. از این رو، هر عملیاتی که فقیه آن را انجام می دهد تا بر حکم شرعی از دیدگاه عملی شرع دست یابد، داخل در اجتهاد است (صدر، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۶۱-۶۲).

براین اساس، اجتهاد مصطلح آن عملیات استنباطی است که منتهی به «حکم شرعی» شود، نه هر عملیاتی که بر روی متون دینی صورت می گیرد. در همین راستا، شهید صدر حکم شرعی در فقه را که یک عملیات اجتهادی و استنباطی بر روی متون دینی است، برنامه ای برای تنظیم حیات انسان دانسته، آن را «نظریه» فقهی می نامد (همان، ص ۶۳)؛ بنابراین، روشن می شود که حکم شرعی در واقع نوعی نظریه در سطح تنظیم حیات بشری است؛ و عملیاتی اجتهادی در واقع ما را به یک نظریه می رساند که در فقه به این نظریه «حکم» گفته می شود. با این وصف، در یک ادعای کلی می توان گفت عملیات اجتهادی، منتهی به ارائه نظریه دین می شود که در مورد خاص اجتهاد فقهی موجب کشف حکم شرعی می شود. با این توضیح، به جهت اینکه تفسیر موضوعی مسیری برای رسیدن به نظریه قرآنی است، اولاً، «اجتهادی» بودن یکی از ویژگی های روش شناختی تفسیر موضوعی قلمداد می شود؛ ثانیاً، ارتباط نظریه فقهی با نظریه تفسیر موضوعی، مشخص می شود، به این شکل که ارتباط نظریه ها در کلیت دین با یکدیگر مشخص می شود. این رابطه

۱. البته برخی از ایشان اجتهاد را به «تحصیل حجت» نسبت به حکم شرعی معنا کرده اند، که همین اصطلاح نیز در هنگام تبیین، به معنای استنباط حکم از منابع دین تفسیر شده است (ن.ک: جنّاتی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۸۰-۸۱؛ مشکینی، ۱۳۸۶، ص ۱۸-۱۹).

«تفسیر موضوعی»، به‌مثابه نمونه ایدئال «مطالعات قرآن و علوم انسانی» ۱۵

در میان نظریه‌فقهی و نظریه‌تفسیری یک ارتباط طولی است؛ زیرا تفسیر موضوعی منتهی به ارائه نظریه‌های پایه‌ای قرآن درباره زندگی بشری می‌شود، و عملیات فقهی، منتهی به ارائه نظریه‌های مرتبط با تنظیم زندگی بشری.

پس از روشن شدن این مطلب که تفسیر موضوعی، تفسیری اجتهادی است، لازم است تا یکی از مؤلفه‌های مهم در روش‌شناسی اجتهادی، که مفهوم «حجّیت» است، در ساحت تفسیر تبیین شود. در بیانی آشکارتر، اصلی‌ترین دغدغه در مطالعات قرآنی و تفسیر موضوعی، دستیابی به نظریه‌های قرآن، به‌دور از تحمیل آرا و نظریه‌های بیرونی بر آن است. این دغدغه در معنای اصطلاحی اصولی تحت عنوان «حجّیت» مطرح می‌شود. اما حجّیت در عرصه نظریه‌پردازی براساس تفسیر قرآن به چه معناست؟

بیان شد که تفسیر، به‌هر دو قسم ترتیبی و موضوعی، یک فرایند برای کشف معنا از متن قرآن است. همچنین روشن شد تفسیر موضوعی به‌قصد رجوع به قرآن کریم برای حل مسائل واقع زندگی بشری و استنباط نظریه‌های قرآنی انجام می‌شود. در این تصویر، قرآن کریم یک منبع معرفتی است که مفسّر تلاش دارد با رجوع به آن، به واقعیات اجتماعی زندگی بشری وارد شود و تبیینی از آنها ارائه دهد. بنابراین، در رویکرد علم دینی، منبع معرفتی دین، در کنار دیگر منابع معرفتی معتبر علم، به‌میان می‌آید. در این راستا، این پرسش پیش می‌آید که آیا هنگامی که به قرآن رجوع و مطلبی به‌عنوان نظریه قرآنی از آن برداشت می‌کنیم، این برداشت، «حجّیت» دارد یا خیر؟

ابتدا باید دانست که گرچه حجّیت یکی از مؤلفه‌های مهم روش‌شناسی اجتهادی است، اما معنای این مفهوم در فضای فقهی و صدور احکام عملی، با معنای آن در فضای علم دینی و تفسیر موضوعی یکسان نیست. حجّیت در دیدگاه رایج اجتهاد فقهی به‌معنای «معدّریّت و منجزیّت» است. این معنا در احکام عملی که موضوعشان افعال مکلفان است، درست و بجاست؛ زیرا مجتهد، در این

سنخ مباحث، به دنبال این است که فعل مکلف در پی این حکم، در پیشگاه خداوند عذرآور و دارای دلیل باشد. اما این معنا در فضای علم دینی و تفسیر موضوعی، که رسالتش ابتدا فهم قرآن و سپس کشف واقع است، در دستگاه اصولی مشهور کارایی معرفتی ندارد. بنابراین، با توجه به اینکه در فهم قرآن و نظریه پردازی، به دنبال کشف واقع هستیم، معنای مناسب حجیت در اینجا «مدرکیت و کاشفیت» است، تا منبع معرفتی متون دینی، قابلیت بهره گیری در نظریه پردازی را داشته باشد (حسنی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۰-۱۳۸)، یعنی قرآن یک منبع معرفتی برای کشف واقع در نظر گرفته می شود، و فهم آن به معنای کشف واقع است. در این صورت، هر برداشتی از قرآن به همان میزان که در مقام کشف معنای متن باشد، به همان میزان از حجیت به معنای کاشفیت برخوردار خواهد بود.

شهید صدر به تفاوت معنای حجیت از جنبه اسناد احکام به شارع و جنبه عمل به احکام توجه داشته، بیان می کند که باید احکام شرعی را از حیث «اسناد به شارع» و از حیث «عمل به آنها» تفکیک کرد. وی معتقد است معدّریت و منجزیت، مربوط به جنبه عملی احکام است، اما از حیث اینکه حکمی را به خدا نسبت دهیم و بگوییم خداوند این را گفته است، باید به آن قطع داشته باشیم (صدر، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۱۹۳-۱۹۴).

براساس این مطالب، می توان در باره اجتهادی بودن تفسیر موضوعی نتیجه گرفت که:

۱. هر نوع استنباط براساس ظهورات و نصوص، که در پی کشف نظریه ای از منابع دینی، از جمله قرآن، باشد اجتهاد است. این اجتهاد، در مقام کشف نظریه ها و از حیث استناد به شارع، به نحو «کاشفیت» است؛
۲. چه در فقه و چه در تفسیر قرآن، تنها این روش اجتهادی است که منتهی به کشف نظریه می شود؛ حال یا نظریه فقهی که همان حکم شرعی برای تنظیم حیات

«تفسیر موضوعی»، به‌مثابه نمونه ایدئال «مطالعات قرآن و علوم انسانی» ۱۷

بشری است، یا نظریه قرآنی که همان نظریه اساسی برای ارائه معرفتی علمی از واقع زندگی بشری است. و از میان تفسیر ترتیبی و موضوعی، تفسیر موضوعی است که اجتهادی است و صلاحیت تحقق مرجعیت قرآن در اکتشاف نظریه‌های قرآنی و معرفت علمی از قرآن را دارد؛

۳. هر تفسیری به میزان کاشفیتش در عرصه علم دینی حجیت دارد. اگر کاشفیت را بخواهیم تفصیل دهیم، می‌توان گفت تفسیری کاشف است که:

- مراد جدی خداوند را به‌گونه‌ای که بتوان آن را به خداوند اسناد داد، به‌دست دهد؛
- واقع‌نما باشد؛
- به‌دور از تحمیل آرای بیرونی بر قرآن باشد.

افزون بر اجتهادی بودن تفسیر موضوعی که یک ویژگی روش‌شناختی متناسب با معصوم بودن متن قرآن است، این مسئله نیز اهمیت دارد که آیا تفسیر موضوعی از روشمندی علمی نیز برخوردار است؟ این مسئله از این جهت شایان توجه است که در صورت برخوردار بودن تفسیر موضوعی از ویژگی علمی بودن، نظریه‌های قرآنی اکتشاف‌شده توسط این روش، نظریه‌هایی علمی قلمداد خواهند شد.

شهید صدر مهم‌ترین ویژگی قوانین علمی را «عمومیت» (تکرارپذیری و تخلف‌ناپذیری) آنها می‌داند. از این رو، «قوانین تاریخی» را که نظریه‌های پایه‌ای قرآن در انسان‌شناسی قرآنی هستند، دارای هویت علمی، عینی و ناظر به واقع می‌داند (صدر، ۱۴۲۱، ج ۱۹، ص ۷۰). بر این اساس، روش تفسیر موضوعی برای اکتشاف نظریه قرآن، روشی علمی است، که در پی کشف نظریه‌های عام و جهان‌شمول است. در واقع، روش اجتهادی در تفسیر موضوعی، یک روش علمی است که متناسب با اکتشاف نظریه‌های علمی از قرآن کریم است.

ب) چپستی تفسیر موضوعی، در ساحت تولید علم دینی

از دیدگاه الگوی تولید علم پارادایمی، فرایند علمی کسب معرفت، مجموعه‌ای سازمان‌یافته و نظام‌مند است که اندیشمندان در تحقیقات علمی از آن استفاده می‌کنند (حسینی، ۱۳۹۷، ص ۵۴). یک پارادایم علمی (= رویکرد علمی)، در نگاه جامع خود، شامل هر امری است که برای فعالیت علمی ضروری است؛ از پیش‌فرض‌های متافیزیکی گرفته تا التزام به ابزارها و توصیه‌های تجربی و پیش‌فرض‌ها و قواعد، و نظریه‌ها و مثال‌هایی خاص از مسائل حل‌شده (L'Abate, 2012, p4). در نتیجه، تحقیق و نظریه‌پردازی در تمام مراحل تولید علم، از انتخاب مسئله، روش پاسخ‌گویی به مسئله و... همه براساس چارچوب نظری و روش از پیش پذیرفته‌شده محققان هر رویکرد انجام می‌گیرد و یک محقق نمی‌تواند بدون توجه به آنها، به «نظریه‌پردازی» در علوم اجتماعی ورود پیدا کند (ایمان، ۱۳۹۴، ج ۳۶، ص ۲۰-۲۳). همه این تعبیرات، به دنبال بیان یک مطلب هستند، و آن اینکه، پیش‌فرض‌های معرفتی و عناصر روش‌شناختی تحقیق، پیش از تلاش برای نظریه‌پردازی علمی، باید صورت‌بندی و تبیین شده باشد تا پژوهشگر بتواند در یک فرایند علمی و روشمند، نظریه‌ای علمی ارائه کند.

در فضای تولید علوم انسانی دینی، «رویکردهای علم دینی» عهده‌دار ارائه پیش‌فرض‌ها، روش‌شناسی و چارچوب‌های نظری و مفهومی لازم برای نظریه‌پردازی براساس منابع معرفتی دینی هستند (ن.ک: حسینی و دیگران، ۱۳۹۲). هر یک از این رویکردها، استراتژی‌های مختلفی را برای تولید علوم انسانی قرآنی توصیه می‌کنند.

در آثار شهید صدر نیز به مفهوم تولید پارادایمی علم توجه شده است. برای نمونه، وی با اشاره به نظام‌های مختلف علمی رایج در یکی از شاخه‌های علوم انسانی،